

ارائه الگوی مناسب توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات - افغانستان با استفاده از نرم افزار MAXQDA

چکیده

هدف: سکونتگاه‌های غیررسمی، چالشی اساسی در شهرهای در حال گذار هستند که با کمبود زیرساخت‌ها و خدمات شهری، شرایط نامناسبی را برای ساکنین خود رقم می‌زنند. هدف از این پژوهش شناخت الگوی مناسب توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات بود.

پیشینه: تحقیقات پیشین، توانمندسازی را عامل توسعه درون‌زا در سکونتگاه‌های غیررسمی دانسته‌اند، اما نگرش آمرانه و عدم وجود مدیریت جامع، از جمله عوامل عدم موفقیت طرح‌های توانمندسازی در گذشته بوده‌اند.

روش: این پژوهش با استفاده از روش کیفی انجام شده‌است. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند بوده و برای تحلیل اطلاعات مستخرج، از فن تحلیل محتوای کیفی با نرم‌افزار مکس کیودا، استفاده شده‌است. مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با کارشناسان، مدیران و کارکنان نهادهای دولتی و بین‌المللی که در حوزه مدیریت شهری فعالیت می‌کنند، منبع اصلی داده‌های این پژوهش بوده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی بهره گرفته شده‌است.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها منجر به استخراج ۱۹۸ کد باز و ۶۹ کد مفهومی شد که در ۱۱ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی تقسیم‌بندی شدند. حوزه سیاست‌گذاری به‌عنوان یکی از مقوله‌های اصلی شامل مقوله‌های فرعی پنج‌گانه، (تدوین قوانین و دستورالعمل‌ها)، (رسمی‌سازی اقامت و امنیت سکونت)، (برنامه‌ریزی یکپارچه)، (هماهنگی و بسیج نهادهای غیردولتی) و (ایجاد ساز و کار به منظور هماهنگی نهادهای مربوط)، می‌باشد. حوزه اجرائی به‌عنوان مقوله اصلی دوم نیز شامل مقوله‌های فرعی شش‌گانه، (نهادی و مدیریتی)، (اجتماعی-فرهنگی و حقوقی)، (توسعه فیزیکی)، (ارائه خدمات اساسی)، (توانمندسازی ساکنان) و (اشتغال و تقویت اقتصاد محلی) می‌گردد.

نتیجه‌گیری: توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات، تابع الگویی است که همزمان به دو حوزه سیاست‌گذاری و اجرائی توجه داشته و در هر یک از حوزه‌های یادشده ابعاد متعددی را احتوا می‌کند. این الگو محصول تجربیات و نظریات کارشناسان و متخصصان در حوزه مدیریت شهری بوده و می‌تواند به عنوان یک مدل کاربردی در راستای توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تمام شهرهای افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی، هرات، MAXQDA



مقدمه

رشد شهری با سرعت بی‌سابقه‌ی در سرتاسر جهان اتفاق می‌افتد [Zhou & Wang, 2011]. طبق آمارها جهان در حال شهری شدن است [Tawakoli Nia, et al., 2013]. تا سال ۲۰۲۵، طبق برآوردهای بانک جهانی، ۸۸ درصد از مجموع رشد جمعیت جهان در نواحی شهری وسیع اتفاق خواهد افتاد ۹۰ درصد از این رشد در کشورهای در حال توسعه جذب خواهد شد [Iran Doust, 2011]. سکونتگاه‌های غیررسمی به مثابه یکی از پیامدها و ویژگی‌های بارز شهرنشینی معاصر در کشورهای در حال توسعه بوده‌اند [Iran Doust, 2011].

توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی از دغدغه‌های عمده برنامه‌ریزان شهری بوده و تا کنون روش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی که به منظور حل مشکلات ناشی از سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه شده‌است با شکست مواجه شده‌اند؛ بنابراین راهبرد توانمندسازی به منظور تقلیل نابرابری‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و غیره امروزه در ادبیات ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در دنیا جایگاه بالایی دارد [Gharkhlo & Mire, 2007]. در رویکرد توانمندسازی سعی بر این است که با افزایش توانمندی‌های مردم، اولاً از نظر سطح زندگی شرایط آنها بهبود پیدا کند و مدار فقر و محرومیت آنها کم‌رنگ‌تر گردد [Morgan, 2016]. در لغت‌نامه شهرسازی توانمندسازی بمعنای "افزایش توانایی مردم برای مدیریت زندگی خودشان" خوانده شده‌است [Cowan, 2005]. توانمندسازی مفهومی است که در بطن معنایی خود با مفاهیم دیگری همچون خودیاری، مشارکت‌داشتن، حق حاکمیت و همکاری‌های شبکه‌ای عجین شده‌است. توانمندسازی فرآیندی است که به بازتوزیع منابع و قدرت جهت یاری‌رساندن به فقرا و آنها که از چرخه‌های پیشرفت بازمانده‌اند، یاری می‌رساند [Pourmohammdi & Oskouee, 2024]. در مجموع، توانمندسازی بسط توانایی‌های فقرا برای مشارکت، مذاکره، تأثیر، کنترل و مسئولیت‌پذیری نهادهایی است که بر زندگی شان تأثیر می‌گذارند؛ این راهبرد به‌همراه ارتقاء بهسازی محیط‌های موجود بهترین وسیله برای راه‌اندازی فرآیند توسعه و ساماندهی است. صاحب‌نظران، دو رهیافت کارآفرینی و حمایتی را برای توانمندسازی فقرا ارائه داده‌اند؛ در برخی از کشورهای غالباً پیشرفته، بر رهیافت کارآفرینی و در برخی کشورهای اغلب در حال توسعه، بر رهیافت حمایتی تأکید شده‌است [Pourrajabi & Majidi, 2023].

بر اساس برآورد UN-Habitat، سکونتگاه‌های غیررسمی پدیده است که بیش از ۵۰ درصد ساکنان شهرهای کشورهای کم‌درآمد و ۲۰ درصد ساکنان کشورهای میان‌درآمد را بخود اختصاص داده‌است [Shieh & Habibi, 2011]. یک سروی در سال ۲۰۰۹ به این نتیجه رسید که ۷۶ درصد افغان‌ها آوارگی را تجربه کرده‌اند. اکثریت آوارگان زندگی پرخطری در مناطق شهری دارند زیرا به دنبال زنده‌ماندن در اقتصاد غیررسمی هستند. آوارگان داخلی، به ویژه زنان و کودکان، در معرض خطرات حفاظتی متعددی قرار دارند [Lallana, 2012]. بیشتر آوارگان در شهرهای قرار گرفتند که از جمله مراکز مهم جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی-تاریخی کشور به شمار می‌روند [UN-Habitat, 2015]. هرات بزرگترین شهر افغانستان بعد از کابل می‌باشد [LODA, et al., 2013].

استان هرات دارنده بیشترین آوارگان داخلی است [UNHCR, 2024]. ۹۱ درصد این آوارگان کسانی‌اند که مجبور به ترک خانه‌های شان شده‌اند [OCHA, 2022]. در سال ۲۰۱۵ هرات در صدر استان‌های میزبان برای آوارگان در افغانستان قرار داشت که تقریباً ۱۰ درصد جمعیت آوارگان در این استان سکونت داشته‌اند [UN-Habitat, et al., 2016]. شهر هرات از دهه ۱۳۷۰ به بعد، مرکز جذب مهاجران زیادی بوده‌است. سالانه تعداد زیادی از اهالی روستاهای مجاور استان هرات و یا آوارگانی از شهرهای هم‌جوار، به جمعیت این شهر پیوسته‌اند، وارد این شهر می‌شوند که باعث افزایش پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی و مشکلات وابسته به آن شده‌است؛ این روند هم‌چنان رو به‌افزایش بوده و بر نگرانی‌های حکومت مرکزی و محلی و نهادهای جامعه مدنی افزوده‌است. حل مشکلاتی با این حجم، نیازمند درک واقعی مسئله و اقدامات عملی در جهت ارزیابی و بررسی شرایط کنونی بود. بنابر پژوهش‌هایی انجام‌شده عوامل متعددی برای عدم موفقیت و مؤثریت نظام مدیریت شهری وجود داشته‌است. این تحقیق به هدف تحلیل ارزیابانه وضعیت موجود و شناسایی الگوی مناسب توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات به انجام رسیده‌است.

این پژوهش در سال ۱۴۰۳ در شهر هرات افغانستان انجام شد. هرات در غرب افغانستان و هم مرز با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد [Organization, 2011]. شهر هرات با مساحت ۱۲۰ کیلومتر مربع [University of Florence, 2013] دومین شهر بزرگ افغانستان می‌باشد. طول مرز مشترک آن با جمهوری اسلامی ایران ۳۶۵ کیلومتر است [Najafi et al., 2009]. استان هرات در طول جغرافیایی شرقی ۶۳ درجه و ۱ دقیقه و ۱۲ ثانیه و عرض جغرافیایی شمالی ۳۴ درجه و ۳

دقیقه و ۴۸ ثانیه واقع شده و ۹۲۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. جمعیت شهر هرات حدود یک صد هزار نفر می‌باشد و این شهر به ۱۵ شهرستان تقسیم شده است [Municipality, 2018].

مواد و روش شناسی

پژوهش حاضر با عنوان "ارائه الگوی مناسب توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات" با هدف شناسایی الگوی بهینه توانمندسازی و ارائه راهکارهای عملی و مناسب برای بهبود شرایط زندگی ساکنان این سکونتگاه‌ها، انجام شده است. ماهیت توصیفی و اکتشافی موضوع، ضرورت بررسی عمیق و ریشه‌ای آن، و فقدان پیشینه مطالعاتی جامع در رابطه با این موضوع، محقق را به استفاده از روش مورد کاوی و تحلیل محتوای کیفی سوق داده است. در این پژوهش، با تکیه بر نظرات افراد صاحب نظر و درگیر با موضوع، به دنبال کشف الگو مناسب برای توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات بودیم. روش پژوهش، میدانی بوده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه‌ساختارمند، یادداشت‌برداری محقق و دستگاه ضبط صوت بوده است. از اصل اشباع نظری به منظور پایان‌دادن به مصاحبه‌ها استفاده شده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد. در نتیجه ۲۰ نفر از افرادی آگاه و درگیر با موضوع پژوهش که شامل کارشناسان، مسئولان و کارکنان ادارات دولتی و مؤسسات بین‌المللی بوده‌اند با استفاده از روش گلوله‌برفی یکی پس از دیگری برای مصاحبه انتخاب گردیدند (جدول ۱). مصاحبه‌ها شامل ۴۲ سوال در حوزه‌های مختلف مرتبط با توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بوده‌اند. میانگین زمان هر مصاحبه، ۵۰ دقیقه بوده و مصاحبه‌ها به صورت انفرادی انجام شده‌اند. پرسش‌های اساسی مصاحبه‌ها شامل مواردی از قبیل: (۱) علت اصلی مشکلات موجود در این سکونتگاه‌ها چیست؟ (۲) کدام راهکار باعث بهبود شرایط زندگی ساکنان می‌شود؟ (۳) کدام الگوی توانمندسازی برای سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات مناسب می‌باشد؟ (۴) به نظر شما، جهت توانمندسازی این سکونتگاه‌ها، کدام اقدامات مؤثر است؟ (۵) چه راهکارهای مفیدی جهت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی وجود دارد؟

جدول ۱: مشخصات کلی مصاحبه کنندگان

شماره	سمت	تحصیلات	تعداد
۱	کارکنان و کارشناسان ادارات دولتی	کارشناسی ارشد	۵
۲	کارکنان مؤسسات بین‌المللی	کارشناسی ارشد و دکتری	۶
۳	مدیران و اعضای نهادهای مردمی	کارشناسی ارشد	۴
۴	اساتید دانشگاه و متخصصان حوزه مربوط	کارشناسی ارشد و دکتری	۵
مجموعه			۲۰

همچنین از روش تحلیل محتوای کیفی با نرم‌افزار مکس کیودا برای استخراج مولفه‌های کلیدی مصاحبه‌ها استفاده شد. مصاحبه‌ها به‌منظور ثبت دقیق اطلاعات ضبط شد و ضمن پیاده‌سازی اطلاعات هر مصاحبه، کلیه جزئیات ثبت گردید. تحلیل کیفی برای تحلیل داده‌های متنی از جمله مصاحبه‌های پیاده‌شده، کاربرد فراوانی دارد و در جای که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود بیشتری می‌یابد؛ بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متن از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، رمزبندی و کدگذاری یا طراحی الگوهای شناخته‌شده به‌کار گرفت. تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند و بر این اساس اعتبار نتایج به وسیله وجود یک فرایند رمزبندی نظام‌مند، تضمین می‌شود (Adel Mehraban, 2015). روایی (اعتبار) و پایایی (اعتماد) پرسش‌های مصاحبه با استفاده از روش ارزیابی Lincoln & Guba تأیید شد (Lincoln & Guba, 1985) که معادل روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی است (Golafshani, 2003) و شامل چهار معیار اعتبار، قابلیت انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و انطباق‌پذیری است. اعتبار پرسش‌های مصاحبه پژوهش توسط گروهی از متخصصان موضوع موردبررسی و تأیید قرار گرفت و برای اطمینان از قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌های تحقیق، با دو متخصص موضوعی که در انجام کار مشارکت نداشتند، در مورد یافته‌های تحقیق مشاوره به عمل آمد. به‌منظور ایجاد قابلیت اطمینان، مطالعه جزئیات و یادداشت‌های مصاحبه، به‌صورت دقیق ضبط و ثبت گردید و جهت کسب اطمینان از میزان انطباق‌پذیری و سازگاری یافته‌ها، تمام جزئیات ثبت‌شده چندین بار مورد

بازبینی قرار گرفت. علاوه بر این، برای افزایش اطمینان از روایی از منابع تأییدگر، پژوهشگران و روش‌های متعدد مصاحبه و مشاهده در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. علاوه بر این، کدها پس از استخراج در اختیار اعضای جامعه پژوهش قرار گرفت تا تناسب کدها با نظرات آن‌ها بررسی شود. نتایج این بررسی نشان داد که دیدگاه‌های جامعه پژوهش با کدهای استخراج‌شده توسط نگارندگان تطابق دارد. برای شناسایی الگوی مناسب توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات چهار مرحله پشت سر گذاشته شد.

۱. **طرح پژوهش:** سوال اصلی پژوهش این بود که کدام الگوی توانمندسازی برای سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات مناسب می‌باشد؟

۲. **گردآوری و تنظیم داده‌ها:** در این مرحله، داده‌ها از طریق مصاحبه‌ها و یادداشت برداری میدانی، جمع‌آوری شد.

۳. **کدگذاری باز:** مفهوم‌سازی از داده‌های حاصل از مرحله کیفی پژوهش انجام شد که مضمون مورد نظر به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از مفاهیم در قالب کدها استخراج شدند. در این مرحله نکات کلیدی داده‌ها در قالب ۶۹ "مفهوم" استخراج شد سپس با مقایسه مفاهیم به‌دست‌آمده، چند مفهوم که اشاره به یک جنبه مشترک در پدیده مورد بررسی داشتند، عنوان یک "زیرمقوله (مقوله فرعی)" را به خود اختصاص دادند. در نهایت 11 مقوله فرعی بدست آمد.

۴. **کدگذاری محوری:** در این مرحله، زیر مقوله‌های به‌دست‌آمده با توجه به اشتراک مفهومی، در قالب "مقوله‌های اصلی" حوزه سیاست‌گذاری و حوزه اجرائی تفکیک شدند.

یافته‌ها

در جدول‌های 2 و 3 با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم استخراج‌شده در قالب دو مقوله اصلی "حوزه سیاست‌گذاری" و "حوزه اجرائی" به عنوان حوزه‌های کلی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات نشان داده شده است و در این راستا 11 زیر مقوله (مقوله فرعی) از قبیل: (۱) بعد تدوین قوانین و دستورالعمل‌ها، (۲) بعد رسمی‌سازی اقامت و امنیت سکونت، (۳) بعد برنامه‌ریزی یکپارچه، (۴) بعد هماهنگی و بسیج نهادهای مردمی، (۵) بعد ایجاد ساز و کار به منظور هماهنگی نهادهای مربوط در زیرطبقه حوزه سیاست‌گذاری و (۶) بعد نهادی و مدیریتی، (۷) بعد اجتماعی-فرهنگی و حقوقی، (۸) بعد توسعه فیزیکی، (۹) بعد عملکردی و ارائه خدمات اساسی، (۱۰) بعد توانمندسازی ساکنان و (۱۱) بعد اشتغال و تقویت اقتصاد محلی، در زیرطبقه حوزه اجرائی، شناسایی و ارائه شد.

جدول ۲: ابعاد الگوی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات در حوزه سیاست‌گذاری، مقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
حوزه سیاست‌گذاری	تدوین قوانین و دستورالعمل‌ها	ضرورت به تدوین دستورالعمل در سطح ملی و محلی
		جلوگیری از سوء استفاده از اراضی شهری توسط سوداگران زمین
		افزایش نظم و کنترل اوضاع
		ضرورت به جلوگیری از تداخلات و وظیفوی بین نهادهای مرتبط
رسمی‌سازی اقامت و امنیت سکونت	افزایش مشارکت ساکنان	افزایش امنیت مسکن
		توانمندسازی مبتنی بر رسمی‌سازی اقامت
		ایجاد و افزایش میزان حس تعلق
		افزایش میزان هویت‌بخشی
	افزایش نقش ساکنان در بازسازی	افزایش نقش ساکنان در بازسازی
		افزایش نقش ساکنان در بازسازی
		افزایش نقش ساکنان در بازسازی
		افزایش نقش ساکنان در بازسازی
برنامه‌ریزی یکپارچه	افزایش کیفیت در مدیریت بهینه سکونتگاه‌ها	کسب موفقیت نهادهای مرتبط در رفع نیازهای اساسی ساکنان
		کسب موفقیت نهادهای مرتبط در رفع نیازهای اساسی ساکنان
		بسیج نیروی نهادهای فعال در حوزه توانمندسازی ساکنان

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
رشد سریع توانمندسازی		
استفاده بهینه از امکانات		
جلوگیری از تداخل فعالیت‌های نهاد های مرتبط در حوزه توانمندسازی		
توجه به اصل توسعه پایدار در راستای توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی		
نقش نهادهای علمی	بسیج نهادهای غیر دولتی	
نقش موسسات خارجی		
نقش نهادهای محلی / مردمی		
افزایش میزان هماهنگی نهادهای فعال در حوزه توانمندسازی	ایجاد ساز و کار به منظور هماهنگی نهادهای مربوط	
افزایش میزان کیفیت برنامه‌های توانمندسازی		
افزایش میزان سهم‌گیری نهادهای مرتبط در توانمندسازی سکونتگاه‌های مربوط		
افزایش میزان مؤثریت برنامه‌های توانمندسازی		

جدول ۳: ابعاد الگوی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات در حوزه اجرائی، مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
مدیریت متوازن	بعد نهادی و مدیریتی	وزه اجرایی
مدیریت همه جانبه		
مدیریت مبتنی بر مشارکت ساکنان		
مدیریت مبتنی بر اولویت‌بندی فعالیت‌ها		
مدیریت یکپارچه		
اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها		
افزایش میزان پاسخگویی به نیازهای ساکنان	بعد اجتماعی-فرهنگی و حقوقی	
تقویت ظرفیت‌های جمعی		
توسعه قوانین و مقررات		
تعیین جایگاه توانمندسازی در قوانین و مقررات کشوری		
دفع تهدیدات حقوقی و قانونی ساکنان	بعد فیزیکی	
افزایش امنیت مالکیت ساکنان		
ایجاد مدیریت بهینه در حوزه مسائل زیست محیطی		
کاهش میزان تراکم نفوس		
توجه به جلوگیری از خطرات ناشی از حوادث طبیعی		
توجه به زیرساخت‌های مربوط به خدمات اساسی		
توجه به ایجاد فضای آموزشی مناسب	بعد عملکردی و ارائه خدمات اساسی	
توجه به ایجاد فضای تفریحی مناسب		
افزایش میزان مقاوت سکونتگاه‌ها در برابر حوادث طبیعی		
ارائه خدمات جمع‌آوری زباله		
ارائه خدمات برق‌رسانی	ارائه خدمات اساسی	
ارائه خدمات تلفون		
ارائه خدمات حمل و نقل عمومی		
تأمین آب آشامیدنی صحی		

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
توانمندسازی ساکنان		فراهم‌سازی امکانات آموزشی مناسب
		فراهم‌سازی امکانات تفریحی مناسب
		توجه بیشتر به ارائه خدمات آبرسانی معیاری
		توجه ویژه به توانمندسازی بانوان و نوجوانان
		توجه به توانمندسازی ساکنان در بعد حقوقی
		توجه به توانمندسازی ساکنان در بعد اقتصادی
		توجه به توانمندسازی علمی ساکنان
اشتغال و تقویت اقتصاد محلی		توجه به توانمندسازی فرهنگی و اجتماعی
		ایجاد شبکه‌های حمایتی اقتصادی
		توجه به افزایش مهارت‌های شغلی ساکنان
		افزایش فرصت‌های شغلی
		تقویت صنایع دستی بانوان
		راه‌اندازی و حمایت از کسب و کارهای کوچک

حوزه سیاست‌گذاری

یکی از زیرمقوله‌های که در این حوزه به دست آمد (تدوین قوانین و دستورالعمل‌ها) بود که در واقع از پنجم مفهوم و ۲۷ کد باز حاصل گردید. اولین مفهومی که در این باب استخراج گردید (ضرورت به تدوین دستورالعمل در سطح ملی و محل) بود که یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد اظهار داشت "یکی از مشکلات عمده اینست که سند ملی در زمینه توانمندسازی این سکونتگاه‌ها وجود ندارد" و مصاحبه‌شونده دیگری گفت "با تدوین قانون یا دستورالعمل می‌توان چارچوبی را تعریف نمود تا بر اساس آن به توانمندی این سکونتگاه‌ها نایل گردید". اظهارات مصاحبه‌کننده‌های دیگر نیز حول همین محتوا قرار داشت. مفهوم دیگری که در این حوزه شناسایی شد (جلوگیری از سوء استفاده از اراضی شهری) بود. پیرامون این مضمون یک‌تن از اشتراک‌کنندگان اظهار نمود "عده از زورمندان و مافیای زمین قسمت زیادی از این زمین‌ها را به ناحق در اختیار خود قرار داده و سوء استفاده می‌نمایند". اشتراک‌کننده دیگر بیان داشت "تا زمانیکه دستورالعملی از جانب دولت ترتیب نشود این روند سوء استفاده از اراضی جریان خواهد داشت" و به تائید آن اشتراک‌کننده دیگری می‌گفت "تا زمانی که قانونی نباشد و بر اساس آن قانون استفاده از این اراضی مشخص نگردد توانمندسازی هرگز محقق نمی‌شود". (افزایش نظم و کنترل اوضاع) یکی دیگر از مفاهیمی بود که بدست آمد و اشتراک‌کنندگان پیرامون آن نظراتی را ارایه نمودند. یکی از اشتراک‌کنندگان بیان داشت "تا زمانیکه قانونی نوشته نشود در اینجا نظم حاکم نمی‌شود". اشتراک‌کننده دیگر با این گفته اش "در قدم اول دولت باید با استعانت از متخصصان و صاحب‌نظران، قوانین و مقرراتی پیرامون توانمندسازی این سکونتگاه‌ها ترتیب و توشیح کند و سپس در راستای اجرائی‌نمودن آن بصورت جدی اقدام کند" بر تدوین قوانین و دستورالعمل‌ها تاکید نمود. یکی دیگر از مفاهیم به دست آمده (جلوگیری از تداخلات و وظیفوی بین نهادهای مرتبط) بود. در این مورد مصاحبه‌کننده بیان داشت "یکی از مشکلاتی که به وفور مشاهده می‌شود، تداخلات و وظیفوی بین نهادهای است که در این راستا فعالیت می‌کنند، باید قانونی وجود می‌داشت که مکلفیت‌های هر نهاد را پیرامون این سکونتگاه‌ها مشخص می‌نمود" به تائید آن مصاحبه‌شونده دیگر اظهار نمود "بعضاً به علت مشخص نبودن وظایف نهادهای مدیریت شهری پیرامون این سکونتگاه‌ها، یک پروژه برای بار دوم و سوم به اجرا گذاشته می‌شود در حالیکه تأمین‌کننده نیازهای ضروری ساکنان هم نیست". مفهومی دنگیری که حاصل شد (کاهش مشکلات و توانمندسازی بهینه ساکنان) به این معنا که اگر قوانین و دستورالعمل‌های مشخصی در این راستا وجود داشته باشد می‌تواند از یک سو باعث کاهش مشکلات موجود گردد و از سوی دیگر کمک کند تا توانمندسازی بهتری اتفاق بیافتد. در این مورد یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان اظهار نمود "توانمندسازی واقعی زمانی ممکن می‌شود که حد اقل سندی دارای ضمانت اجرائی در این راستا وجود داشته باشد و اداراتی خود را در برابر این موضوع مسئول بدانند حالانکه هیچ سندی قانونی وجود ندارد که کسی یا ارگانی را مکلفیت بخشیده باشد تا در راستای توانمندسازی این سکونتگاه‌های کاری انجام دهد" و همچنان

اشتراک‌کننده دیگری اظهار نظر نمود که "یکی از ویژگی‌های قانون اینست که تامین‌کننده حقوق انسان‌ها است و از ضیاع حقوق آن‌ها جلوگیری می‌کند. همه می‌دانیم پاره از مشکلات اجتماعی در اثر ضیاع حقوق دیگران شکل می‌گیرد و موجودیت قانون خود به معنای از بین بردن یا کاهش مشکلات می‌باشد". موارد فوق رساندند که تدوین قانون و دستورالعمل در این زمینه یکی از نیازهای است که باید مورد عنایت قرار گیرد. چنانچه جلیلی صدرآبادی یکی از چالش‌های اساسی در مدیریت سکونتگاه‌های غیررسمی را نبود دستورالعمل واحد ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی در سطح ملی و منطقه‌ای می‌داند (Jalili Sadrabadi, et al., 2023).

(رسمی‌سازی اقامت و امنیت سکونت) یکی دیگر از مقوله‌های به‌دست‌آمده در این حوزه بود. این مقوله از 7 مفهوم و 35 کد باز، شکل گرفته است که هریک از مفاهیم را با ذکر یک نمونه از مصاحبه‌ها در اینجا بیان می‌نماییم. اولین مفهوم (افزایش مشارکت ساکنان) است که یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این باب بیان داشت "یکی از نتایج رسمی‌سازی این سکونتگاه‌ها همانا افزایش حس مشارکت در ساکنان می‌باشد". مفهوم بعدی که در این مقوله مورد شناسایی قرار گرفت (افزایش امنیت مسکن) بود که در این راستا یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت که "زمانی که این سکونتگاه‌ها به رسمیت شناخت شوند دیگر احساس ناامنی برای ساکنان دست نمی‌دهد و این باعث می‌شود که به لحاظ روانی در وضعیت بهتری قرار بگیرند". سومین مفهومی که در این مقوله شناسایی شد (توانمندسازی مبتنی بر رسمی‌سازی اقامت) بود که در این مورد نظر یکی از اشتراک‌کنندگان از حیث نمونه چنین بود "وقتی یک سکونتگاه به رسمیت شناخته شود خود یک هویت و ارزش معنایی پیدا می‌کند و از نظر من این یکی از مصداق‌های خوب توانمندسازی است". چهارمین مفهوم شناسایی‌شده در این مقوله (افزایش میزان حس تعلق) بوده‌است چنانچه یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار نظر داشت "به رسمیت شناختن این سکونتگاه‌ها در واقع حس مالکیت بخشیدن به ساکنان است و این خود حس تعلق به مسکن را در آن‌ها ایجاد می‌کند و باعث می‌شود نسبت محل سکونت خویش احساس مسئولیت بیشتری نمایند". پنجمین مفهوم حاصل‌شده در این مقوله (افزایش میزان هویت‌بخشی به ساکنان) بود چنانچه یکی از اشتراک‌کنندگان می‌گوید "یکی از مزایای به‌رسمیت‌شناختن همانا انتقال ساکنان از گودال بی‌هویتی به بلندای هویت است که این خود یکی از معانی درست توانمندسازی است". ششمین مفهومی که در این مقوله به‌دست آمد (افزایش نقش ساکنان در بازسازی) بود چنانچه یکی از کارشناسان در این مورد گفت "تجارب چندین‌ساله نشان داده‌است همواره کسانی در پروژه‌های بهسازی محلی سهم می‌گیرند که مالک باشند" و هفتمین مفهوم شناسایی‌شده در این مقوله (اقناع ساکنان به پرداخت مالیات) بود که در این مورد نیز یک تن از مدیران سابقه دار یکی از ادارات دولتی گفت "یکی از فایده‌های رسمیت‌سازی این سکونتگاه‌های شامل شدن این مناطق در نظام مالیاتی دولت می‌باشد". موارد فوق تاکید بر این دارد که رسمی‌سازی اقامت و امنیت سکونت یکی از نیازها و ابعاد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات می‌باشد. چنانچه این موضوع با یافته‌های مطالعه مشکینی همخوانی داشت که می‌گوید "در واقع مشکل عمده سکونتگاه‌های غیررسمی که موجب می‌گردد سایر مسائل و مشکلات، بدون حل، باقی بمانند، رسمی نبودن سکونت و عدم امنیت در اقامت است (Moshkini, et al., 2013)".

(برنامه‌ریزی یکپارچه) یکی دیگر از مقوله‌های بود که در این حوزه شناسایی گردد. این مقوله متشکل از 7 مفهوم است که از 32 کد باز، منتج گردیده است. در این جا هریک از مفاهیم به‌دست‌آمده را با ذکر یک نمونه از مصاحبه‌ها بیان می‌نماییم. اولین مفهومی که در این مقوله شناسایی گردید (افزایش کیفیت در مدیریت سکونتگاه‌ها) بود که در این راستا یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان که از اراکین بالای حکومتی نیز بود گفت "مشکل همیشگی ما در مدیریت این سکونتگاه یکپارچه عمل‌نکردن ارگان‌ها مدیریت شهری بوده‌است که این خود پیامدهای متعدد منفی برای ما داشته‌است". دومین مفهوم در باب این مقوله (کسب موفقیت نهادهای مرتبط در رفع نیازهای اساسی ساکنان) بوده‌است، چنانچه یک‌تن از اشتراک‌کنندگان شاغل در موسسات بین‌المللی گفته‌است "گاهی به علت عدم هماهنگی و یکپارچگی دو یا چند نهاد شاهد ناکامی پروژه‌های بهسازی در این سکونتگاه‌ها شده‌ایم". سومین مفهوم در این زمینه (بسیج نیروی نهادهای فعال در حوزه توانمندسازی ساکنان) می‌باشد. مصاحبه‌شونده ما که خود مدیر یکی از پروژه‌های حمایتی ساکنان این سکونتگاه‌ها در موسسات خارجی بوده‌است چنین اظهار داشته‌است "اگر برنامه‌ریزی یکپارچه وجود می‌داشت، چندین موسسه می‌توانستند با بسیج نیروها و امکانات خویش پروژه‌های به مراتب بزرگتر و مفیدتری برای این سکونتگاه‌های رقم بزنند". مفهومی بعدی که در این مقوله شناسایی گردید (رشد سریع توانمندسازی) بود. در این مورد یک‌تن از شرکت‌کنندگان گفت "اگر

برنامه‌ریزی‌ها به‌گونه انجام شود که در هماهنگی با نهادهای مشابه باشد، می‌توانیم به سرعت بیشتری به سمت توانمندسازی این سکونتگاه‌های حرکت کنیم". پنجمین مفهومی شناسایی شده در این مورد (استفاده بهینه از امکانات) می‌باشد. یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد چنین بیان نمود "گاهی به علت عدم هماهنگی و یکپارچگی در اجرای پروژه‌های حمایتی در این راستا امکانات زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالیکه اگر قبل از اجرای پروژه جلساتی برگزار گردد و هماهنگی‌های لازم انجام شود می‌توانیم در استفاده امکانات و میزان بودجه صرفه جویی قابل ملاحظه نماییم". ششمین مفهومی که در این مقوله حاصل شد (جلوگیری از تداخل فعالیت‌های نهادهای مرتبط در حوزه توانمندسازی) می‌باشد. در این مورد یک‌تن از اشتراک‌کنندگان گفت "در خیلی از پروژه‌های که توسط موسسات خارجی اجراء می‌شد چنین تجربه کردیم که در عین پروژه چند ارگان دولتی نیز دخالت می‌نمودند بدون اینکه از قبل هماهنگی و یکپارچگی در بین شان وجود داشته باشد، و این باعث شده که پروژه موفقیت مطلوب را بدست نیاورد" و هفتمین مفهوم در این مقوله (توجه به اصل توسعه پایدار در راستای توانمندسازی) می‌باشد که پیرامون آن اشتراک‌کننده ما چنین ابراز نظر نمود "در یکی از پروژه‌ها که توسط بانک جهانی تمویل میشد با چند نهاد دولتی که به نحوی به آن‌ها مرتبط می‌شد هماهنگی‌های لازم انجام شد؛ در نتیجه با موفقیت به انجام رسید و اثرات آن نیز پایدار و متداوم است". موارد فوق همه تاکید بر آن دارد که برنامه‌ریزی یکپارچه یکی از ابعاد مهمی است که می‌بایست در الگوی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات جایگاه بلندی داشته باشد. این مضمون در همخوانی با نتیجه پژوهش دوپران و همکاران اوست که چنین نگاشته‌است: "در شهرهای میانی ایران مدیریت یکپارچه شهری عملکرد نیافته و مدیریت شهری دارای نگرش و کارکرد سنتی است و نتیجه این نوع نگرش ناکارآمدی طرح‌های ساماندهی و گسترش مسائل شهری در بافت‌های اسکان غیررسمی" (Kazemian, et al., 2013). گردیده است.

یکی دیگر از مقوله‌های که در این حوزه مورد شناسایی قرار گرفت (بسیج نهادهای غیردولتی) بود که ترکیب ۳ مفهوم و ۱۸ کد باز شکل‌یافته است. هریک از مفاهیم با ذکر یک نمونه از مصاحبه‌های اشتراک‌کنندگان در ادامه ذکر شده‌است. اولین مفهومی که در این مقوله شناسایی گردید (نقش نهادهای علمی) بود که در این مورد یک تن از اشتراک‌کنندگان ما که عضو هیئت علمی دانشگاه نیز میباشد چنین گفته‌است "توانمندسازی واقعی زمانی متحقق می‌شود که نهادهای غیر دولتی را نیز در آن سهیم سازیم. یکی از بخش‌های غیردولتی که می‌تواند در این حوزه فعالیت‌های شایانی انجام دهند نهادهای علمی غیردولتی می‌باشند که در زمینه‌های مختلف بویژه در حوزه سیاست‌گذاری می‌توانند خدمات چشم‌گیری انجام دهند". مفهومی دیگری که در این مقوله مورد شناسایی قرار گرفت (نقش موسسات خارجی) بود. یک تن از مصاحبه‌شوندگان که سال‌های زیادی در موسسات خارجی کارمند بوده‌است گفت "در کشورهای مثل افغانستان تنها دولت‌های قادر به اجرای پروژه‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی نمی‌باشند، بلکه جلب کمک‌های خارج از یکطرف و همسویی در برنامه‌ریزی با آن‌ها از سوی دیگر می‌تواند روند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات را سرعت بخشد". آخرین مفهومی که در این مقوله حاصل شد (نقش نهادهای محلی و مردمی) بود. چنانچه مصاحبه‌شونده‌ای که تجربه زیادی در فعالیت‌های اجتماعی نیز داشت در این باره گفت "نقش نهادهای مردمی و محلی در روند توانمندسازی این سکونتگاه‌ها غیر قابل انکار است. مثلاً با تشکیل و فعال‌سازی شوراهای مردمی در این محلات می‌توانیم در راستای اجرائی شدن برنامه‌های مختلف به موفقیت‌های قابل قبولی برسیم". نتیجه پژوهش گنجلو و سعیدی مفرد نیز نشان داد که: "از جمله راهکارهای حل مسائل پیچیده این سکونتگاه‌ها، حضور نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی در ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان حلقه ارتباطی میان دولت و ساکنان جهت انجام اقداماتی در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و آموزشی از جمله ترغیب ساکنان جهت حضور و مشارکت در ستادهای اجرائی یا بهسازی مناطق، تلاش در جهت افزایش حس قانون‌پذیری و فرهنگ انضباط اجتماعی، جذب کمک‌های مالی مردمی و غیره است" (Ganjlo & Saedi Mofrad, 2019).

(ایجاد سازوکار به‌منظور هماهنگی بین نهادهای مرتبط) یکی دیگر از مقوله‌های بود که در حوزه سیاست‌گذاری مورد شناسایی قرار گرفت. این مقوله متشکل از ۴ مفهوم و ۱۳ کد باز می‌باشد. در ادامه هریک از مفاهیم را با ذکر یک مثال از مصاحبه‌ها بیان می‌نماییم. اولین مفهوم شناسایی شده در این مقوله (افزایش میزان هماهنگی نهادهای فعال در حوزه توانمندسازی) می‌باشد که در این مورد یک‌تن از مصاحبه‌کنندگان گفته‌است "تجارب چندین ساله ما نشان داده‌است تا زمانیکه یک سازوکار واحد تدوین نشود، هماهنگی بین نهادهای مختلف ممکن نیست و اگر هم ممکن باشد، بسیار

پیچیده و خسته‌کننده خواهد بود". دومین مفهومی که در این مقوله شناسایی شد (افزایش میزان کیفیت برنامه‌های توانمندسازی) بود چنانچه یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت "اگر برنامه‌ها و پروژه‌های حمایتی در این سکونتگاه‌های در سایه هماهنگی بین نهادهای دولتی، مردمی و خارجی صورت گیرد، قطعاً در کیفیت برنامه‌های افزایش قابل توجهی بوجود خواهد آمد". سومین مفهومی شناسایی‌شده در این مقوله (افزایش میزان سهم‌گیری نهادهای مرتبط در توانمندسازی) بود. در این زمینه یکی از اشتراک‌کنندگان اظهار نظر نمود "مطمئن باشین اگر میکانیزمی مشخصی برای هماهنگی نهادهای ذیربط باشد، برای خیلی از نهاد به عنوان یک مشوق عمل نموده و سهم‌گیری آن‌ها را در این حوزه افزایش خواهد داد" و آخرین مفهومی که در این مقوله مورد شناسایی قرار گرفت (افزایش میزان موثریت برنامه‌های توانمندسازی) بود که در این مورد یک تن از مصاحبه‌شوندگان چنین ابراز نظر نمود "وقتی مقرره یا سازوکاری برپا هماهنگی نهادهای مرتبط وجود داشته‌باشد، قطعاً هماهنگی‌های به‌صورت اصولی انجام شده و موثریت برنامه‌های تاحد زیاد افزایش می‌یابد". موضوع تدوین ساز و کار مشخص که در آن نقش همه نهادهای دولتی و مردمی به طور مشخص تعریف شده باشد حایز اهمیت است بدین سبب است که در بندم سوم، ماده چهارم سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی چنین تصریح شده‌است: "بسیج سرمایه های انسانی، اجتماعی و اقتصادی درون اجتماعات و جماعات در پیوند با منابع و سرمایه‌های توسعه بخش بیرونی درون‌زایی توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی با شناخت و ایجاد زمینه‌های گسترش دارایی‌ها و قابلیت‌های ساکنان، بکارگیری رویکرد مشارکتی و تقاضامحور و تعامل و همگرایی مثبت با سرمایه‌های توسعه‌بخش بیرونی (ظرفیت‌های نهادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره) ممکن می‌شود. برای تحقق این هدف به نهادسازی و ابزارهای نوین برای تجمیع و یکپارچه سازی بهینه ظرفیت های محلی و فرامحلی، منابع دولتی، عمومی و مردمی و جذب سرمایه‌های خصوصی نیاز است" (Ministers, 2024).

در حوزه اجرائی

اولین مقوله به‌دست‌آمده در این حوزه (بعد نهادی و مدیریتی توانمندسازی) بود. این مقوله متشکل از ۷ مفهوم و ۳۸ کد باز می‌باشد که در ادامه به هر از مفاهیم با ذکر یک‌نمونه از مصاحبه‌های اشتراک‌کنندگان اشاره می‌نماییم. اولین مفهومی که در این مقوله بدست آمد (مدیریت متوازن) بود چنانچه یکی از اشتراک‌کنندگان در این مورد اظهار نظر نمود "این سکونتگاه‌ها باید طوری مدیریت شود که به تمام ابعاد آن همزمان و به یک پیمانانه رسیدگی گردد". دومین مفهوم به‌دست‌آمده در این بخش (مدیریت همه جانبه) بود. یک تن از مصاحبه‌شونده‌ها در این مورد گفت "اگر به تمام جنبه‌ها توجه نشود نمی‌توانیم ادعای مدیریت سالم نماییم". (مدیریت مبتنی بر مشارکت) مفهومی سوم بود که در این مقوله حاصل گردید و در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اظهار داشت "متاسفان در خیلی از برنامه‌های حمایتی رای و نظر مستفیدشوندگان (ساکنان) از برنامه گرفته نمی‌شود و این خود یکی از دلایل ضعف مدیریت در اجرای برنامه‌ها می‌باشد". یکی دیگر از مفاهیمی که در این مقوله به‌دست آمد (مدیریت مبتنی بر اولویت‌بندی فعالیت‌ها) بود. یک تن از اشتراک‌کنندگان در این زمینه بیان نمود "از جمله مشکلاتی که بنده در این راستا مشاهده نمودم عدم توجه به اولویت‌بندی فعالیت‌ها بوده‌است؛ برخی از فعالیت‌های حمایتی که انجام می‌شود شامل نیازهای اولیه و اساسی ساکنان نیست ولی اجراء می‌شود". مفهوم دیگری که در این مقوله شناسایی شد (مدیریت یکپارچه) بود که در این مورد یک‌تن از اشتراک‌کنندگان که از کارمندان ادارات دولتی نیز می‌باشد گفت "یکی از مشکلات عمده که بنده در طول این چند سال مشاهده نمودم این بوده‌است نظام مدیریت شهری هرات یکپارچه عمل نمی‌کند و این باعث شده‌است که ما در خیلی از عرصه‌ها موفقیت حاصل نکنیم". مفهومی بعدی شناسایی‌شده (اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها) بوده‌است. در این باره یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان گفت "اگرچه در خیلی از عرصه‌ها هنوز قوانین و دستورالعمل تدوین نشده است بخصوص در حوزه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی ولی در مواردی هم که کدام سند یا مقرره موجود می‌باشد در قسمت اجرای آن ضعف‌های به مشاهده می‌رسد. از نظر من در قسمت اجرای قوانین باید یک سازوکار دقیق طراحی شود تا یک اداره نتواند فرا قانونی عمل کند". (افزایش میزان پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان) آخرین مفهومی است که در این مقوله مورد شناسایی قرار گرفت. یک‌تن از اشتراک‌کنندگان چنین اظهار نظر نمود "در بعد اجرائی باید یکی از شاخص‌های ارزیابی یک اداره می‌بایست میزان پاسخ‌گویی وی به مراجعان و میزان رضایت مراجعان از نحوه عملکرد آن باشد تا بر اساس این شاخص میزان پاسخ‌گویی به مراجعان افزایش پیدا کند". بصورت کل اظهارات اشتراک‌کنندگان تأکیدی است بر اهمیت بعد نهادی و مدیریتی که باید در فرایند توانمندسازی این سکونتگاه‌ها از دیده پنهان نماند. بر پایه نظریه فریبر و اشترن

(۲۰۰۱)، شهرها بایستی از چهار منظر پایدار باشند: زیست‌پذیر باشند؛ به خوبی مدیریت شوند؛ حکمروایی خوب در آن‌ها برقرار باشد و پایداری مالی در آن‌ها وجود داشته باشد. نکته با اهمیت مدیریت خوب است که در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌تواند نقش پر اهمیتی ایفا نماید (Mohammadi Doost, et al., 2018).

(بعد اجتماعی-فرهنگی و حقوقی) دومین مقوله فرعی بود که در زیر طبقه (حوزه اجرائی) در این تحلیل مورد شناسایی قرار گرفت. این مقوله در واقع از ۵ مفهوم و ۳۱ کد باز به وجود آمده است. اولین مفهومی که در اینجا شناسایی شد (تقویت ظرفیت‌های جمعی ساکنان) بود. که در این مورد یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان گفت "افزایش سطح سواد، آگاهی‌دهی ساکنان نسبت به اصول و مزایای فرهنگ شهرنشینی و ارائه سایر برنامه‌های آموزش و آگاهی‌بخشی می‌تواند کمک شایانی در روند توانمندسازی این ساکنان انجام دهد". (توسعه قوانین و مقررات) یکی دیگر از مفاهیمی بود که مورد شناسایی قرار گرفت. یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه چنین بیان نمود "برنامه‌های آگاهی‌بخشی که بتواند سطح فهم ساکنان را نسبت به مکلفیت‌های حقوقی و شهروندی شان افزایش دهد از جمله نیازهای شدید این توانمندسازی خواهد بود". مفهومی دیگری که در این مقوله شناسای گردید (تعیین جایگاه توانمندسازی در قوانین و مقررات) بود که در این مورد به ذکر یک نمونه از مصاحبه‌ها اکتفا می‌کنیم که چنین گفته شده است "در بعد حقوقی قضیه یکی از ضروریات تعیین جایگاه توانمندسازی در قوانین کشوری می‌باشد تا ضمانت اجرائی حاصل نموده مورد اهمال و بی توجهی ادوات و مسئولین قرار نگیرد". (دفع تهدیدات حقوقی و قانونی ساکنان) یکی دیگر از مفاهیمی بود که در زیرطبقه این مقوله به دست آمد. در این مورد یک‌تن از اشتراک‌کنندگان گفت "تهدید به اخراج از سکونگاه، یکی از فشارهای روانی است که همواره ساکنان را مورد اذیت قرار می‌دهد، اگر این تهدید برداشته شود، ساکنان به نحوی احساس هویت و ارزش نموده و از این زاویه باعث توانمندی آنان خواهد شد". آخرین مفهومی که در این مقوله مورد شناسایی قرار گرفت (افزایش امنیت ساکنان) بود. در این راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید "حس امنیت مالکیت یکی از نیازهای مبرم ساکنان پنداشته می‌شود؛ مادامیکه این حس در آن‌ها ایجاد نگردد توانمندسازی به معنای واقعی کلمه در این محیط متحقق نخواهد شد. این مضمون همخوانی دارد با نتیجه پژوهش هاشم‌پور و همکاران وی که بیان داشته است "نتایج، نشان داده سکونتگاه‌های غیررسمی، حامل ظرفیت‌های اجتماعی-مشارکتی معینی هستند و توانمندسازی ساکنین از طریق دارایی‌های محلی به توسعه اثربخش در کالبد این بافت‌ها منتهی شده است" (Hashempour, et al., 2022).

یکی دیگر از مقوله‌های فرعی که در نتیجه تحلیل، در حوزه اجرائی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات بدست آمد **(توجه به بعد توسعه فیزیکی)** این سکونتگاه‌ها بود. این مقوله متشکل از ۷ مفهوم و ۲۳ کد باز می‌باشد. در ادامه به هریک از مفاهیم با ذکر یک یا دو نمونه از مصاحبه‌ها اشاره می‌نماییم. اولین مفهوم (ایجاد مدیریت بهینه در حوزه زیست محیطی) می‌باشد که در این مورد یکی از مشترکین چنین اظهار نظر نمود "باید توجه ویژه در زمینه دفع آلوده‌کننده‌های زیست‌محیطی صورت گیرد". یک تن از کارشناسان در این مورد چنین اظهار نظر نمود "توجه به بهبود محیط زیست یکی از فاکتورهای مهم توانمند سازی محسوب می‌شود". دومین مفهوم (کاهش میزان تراکم جمعیت) بود که یک‌تن از مصاحبه‌شونده‌ها گفت "اگر بتوانیم تراکم جمعیت را در این مناطق کاهش دهیم در واقع به بخشی از توانمندسازی آن دست یافتیم". همچنان اشتراک‌کننده دیگری در این زمینه بیان داشت "تراکم جمعیت بالا در این مناطق باعث بروز خیلی از مشکلات شده است". مفهوم سوم عبارت از (توجه به جلوگیری از خطرات ناشی از حوادث طبیعی) عنوان شد که در این مورد یک‌تن از اشتراک‌کنندگان اظهارداشت که "یکی از راهکارهای مهمی که باید روی دست گرفته شود توجه به کاهش میزان خطرات ناشی از حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل و غیره می‌باشد". در تائید این مفهوم اشتراک‌کننده دیگری چنین اظهار نمود "این سکونتگاه‌ها در برابر حوادث طبیعی بیش از حد معمول آسیب پذیر اند". مفهوم چهارمی که شناسایی گردید (توجه به زیرساخت‌های مربوط به خدمات اساسی) بود که یک تن از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان نمود "ارایه خدمات اساسی می‌تواند گامی ارزشمند در راستای توانمندسازی این سکونتگاه‌ها باشد" و اظهارات اشتراک‌کننده دیگر چنین بود "درین مناطق زیرساخت‌های مربوط به خدمات اساسی شهری اصلاً وجود ندارد". پنجمین مفهومی که به دست آمد (توجه به ایجاد فضای آموزشی مناسب) بود چنانچه یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان چنین گفت "با ایجاد فضای آموزشی مناسب می‌توان راه را برای توانمندسازی واقعی این مناطق گشود". مصاحبه‌شونده دیگر در تائید این مفهوم اظهار داشت "یکی از نیازهای مبرم این ساکنان ایجاد فضای مناسب آموزشی می‌باشد". ششمین مفهومی که از تحلیل مصاحبه حاصل شد (توجه به ایجاد فضای تفریحی مناسب) بود که به تائید آن یکی از اشتراک‌کنندگان پژوهش بیان

داشت "بدون ایجاد فضای تفریحی مناسب در این مناطق نمی‌توانیم توانمندسازی واقعی را تجربه نمائیم"، همچنان مصاحبه‌شونده دیگری بیان داشت که "با تاسف درین مناطق کوچکترین توجهی به نیازهای تفریحی ساکنان صورت نگرفته است". مفهوم هفتمی که به‌دست آمد بیان‌کننده (افزایش میزان مقاوت این سکونتگاه‌ها در برابر حوادث طبیعی) بود؛ در این راستا یک مصاحبه‌شونده چنین اظهار نظر نمود "مصلح بسیار ابتدایی و ساده این منازل باعث شده‌است تا دارای کمترین میزان مقاوت در برابر حوادث طبیعی باشند". و مصاحبه‌شونده دیگری اظهارداشت "یکی دیگر از راهکارهای توانمندسازی این سکونتگاه‌ها افزایش میزان مقاوت منازل در برابر حوادث طبیعی می‌باشد". در واقع مفاهیم هفتگانه فوق تاکید دارند به این که توجه به بعد توسعه فیزیکی جایگاه مهمی در توانمندسازی این سکونتگاه‌ها دارد. چنانچه پیتر و همکاران در مطالعه‌ی به بررسی عوامل مهم در ارتقاء سکونتگاه‌های غیررسمی می‌پردازند. نتیجه این مطالعه بیانگر آن است که در بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، تامین خدمات پایه از قبیل دفع آبهای سطحی، جمع‌آوری زباله، تامین مراکز آموزشی و ... بسیار مهم می‌باشد (Pietro, et al., 2006). که کاملاً در همخوانی با نتایج تحلیل حاضر قرار دارد. نجفی‌کانی و حمیده فیروزجائی در نتایج یک پژوهش دریافتند که عدم توجه به توسعه فیزیکی سکونتگاه‌های غیررسمی منجر به ایجاد پیامدهای مانند تشدید جدایی فضائی بین محلات، افزایش تراکم جمعیت و ساختمان، کمبود خدمات عمومی و عدم رعایت کاربری‌های مختلف و غیر بهینه‌شدن زمین می‌گردد (Najafi Kani & Hamidi Firoozjaei, 2021).

(بعد عملکردی و ارائه خدمات اساسی) یکی دیگر از مقوله‌های فرعی بود که در نتیجه این تحلیل بدست‌آمد. این مقوله در واقع از ترکیب ۸ مفهوم ۲۶ کد باز به‌دست آمد؛ بدین معنا که یکی از ابعاد مهم الگوی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات، ارائه خدمات اساسی برای این سکونتگاه‌ها می‌باشد. اولین مفهوم (ارائه خدمات جمع‌آوری زباله) است. یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد اظهار داشته‌است که "مدیریت جمع‌آوری زباله‌ها یکی از فکتورهای مهم توانمندسازی این سکونتگاه‌های به حساب می‌رود". مصاحبه‌شونده دیگری گفته‌است "یکی از مشکلات عمده‌که من در این سکونتگاه‌ها مشاهده نمودم نبود سیستم جمع‌آوری زباله‌ها است که واقعا برایم قابل تأمل بود". مفهوم دیگری که در این حوزه شناسایی شد (ارائه خدمات برق‌رسانی بود)؛ چنانچه یک‌تن از اشتراک‌کنندگان در پژوهش چنین بیان داشت "ساکنان این مناطق از نداشتن برق رنج می‌برند". اشتراک‌کننده دیگر گفته است "نبود برق خیلی از امکانات رفاه زندگی را از این ساکنان گرفته‌است" و اشتراک‌کننده دیگر بیان می‌دارد که "برق‌رسانی این مناطق کمک شایانی در توانمندسازی آن‌ها خواهد کرد". (ارائه خدمات تلفون) یکی دیگر از مفاهیمی بود که بدست‌آمد. یک‌تن از کارشناسان در این زمینه اظهار داشت که "اگرچه خدمات تلفون از جمله نیازهای درجه دوم این ساکنان پنداشته می‌شود ولی در امر توانمندسازی می‌تواند زمینه‌ساز خوبی باشد"، همچنان به تائید آن یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفت: "موجودیت شبکه تلفون می‌تواند ساکنان را از خدمات جانبی مانند انترنیت مستفید سازد". (ارائه خدمات حمل و نقل عمومی) یکی دیگر از مفاهیم به‌دست‌آمده‌ی نتایج این تحلیل بود. در این زمینه یکی از اشتراک‌کنندگان می‌گوید "یکی از راهکارهای مهم که بخشی از توانمندسازی را محقق می‌سازد توجه بنیادین به بهبود وضعیت حمل و نقل عمومی این سکونتگاه‌ها می‌باشد". اشتراک‌کننده دیگر اظهار می‌دارد "از اساسی‌ترین خدماتی که باید به این مناطق ارایه شود حمل و نقل عمومی می‌باشد". به تائید آن یکی دیگر از اشتراک‌کنندگان بیان داشت که "حمل و نقل عمومی می‌تواند تاثیر زیادی بر زندگی این ساکنان بگذارد". یکی دیگر از مفاهیم به‌دست‌آمده (فراهم‌سازی امکانات آموزشی) در این مناطق بود. یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت "نبود امکانات آموزشی در این مناطق باعث شده تا تعداد زیادی از اطفال از تعلیم محروم شوند". مصاحبه‌شونده دیگر گفت "اگر امکانات آموزشی کافی در این مناطق موجود می‌بود قطعاً سطح سواد ساکنان بالاتر از وضعیت موجود بود" و به تائید آن یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته‌است "یکی از دلایل پائین‌بودن سطح سواد ساکنان در این مناطق نبود امکانات کافی آموزشی می‌باشد". مفهومی دیگری که از تحلیل حاضر بدست‌آمد (فراهم‌سازی امکانات تفریحی مناسب) بود. در این مورد یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان که در عین حال عضو هیئت علمی دانشگاه نیز بود، بیان داشت که "فراهم‌سازی امکانات تفریحی در حقیقت پاسخی است به نیازهای روحی و روانی ساکنان که حایز اهمیت زیادی است". یک‌تن از مصاحبه‌کنندگان که از مسوولان ادارت دولتی می‌باشد می‌گوید "با فراهم نمودن امکانات تفریحی در واقع می‌توانیم به توانمندسازی واقعی این مناطق دست یابیم" و آخرین مفهومی که در این مقوله بدست آمد (توجه بیشتر به ارائه خدمات آب‌رسانی) بود. در زمینه یکی از مصاحبه‌شونده‌ها که از مسوولین امور نیز است می‌گوید "یکی از

شکایات عمده این ساکنان عدم دسترسی شان به سیستم آبرسانی شهری می‌باشد و به تأیید آن مصاحبه‌شونده دگیری گفته است "نبود آب آشامیدنی صحت مشکلات عمده را در این مناطق به ارمغان آورده است". بصورت عموم نتایج تحلیل نشان می‌دهد که توجه به بعد عملکردی در فرایند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرها از اهم موضوعاتی است که باید در نظر گرفته شود. در همخوانی با مفاهیم فوق، شریفی‌نیا و همکاران در پژوهشی دریافتند که "بسترسازی برای ارتقاء شرایط محیطی جهت رشد سلامت، امنیت، امید، ایمان و کرامت انسانی در سکونتگاه‌های غیررسمی موجود، پیش‌نگری به گسترش اسکان غیررسمی در آینده و زمینه‌سازی برای احداث مسکن مناسب، خدمات پایه و زیربناها در حد استطاعت و دسترسی گروه‌های کم‌درآمد در فضای رسمی شهر، زمینه‌سازی برای بهره‌مندی از امتیازات شهری و تعمیق فرهنگ شهری برای ساکنان این سکونتگاه‌ها به همراه مشارکت همه‌جانبه آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌های محلی از اهداف کلان راه‌برد توانمندسازی می‌باشد (Nura & Mahdi, 2011). در پژوهشی تحت عنوان توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی با تاکید بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی که در محله غلام تپه بزی شهرستان آزادشهر انجام شد در بخش ارائه خدمات اساسی به این راهبردها انجامید: (۱) ارتقای شبکه‌های زیربنائی و خدمات رسانی از قبیل شبکه فاضلاب، تاسیسات گاز، تلفن با حمایت بخش دولتی و با مشارکت خود ساکنان. با ارائه چنین خدماتی می‌توان قیمت زمین و مسکن را در این محله بالا برد تا از رشد بی‌برنامه مسکن و ورود افراد دیگر ممانعت شود؛ (۲) بهسازی معابر با حمایت شهرداری و مشارکت ساکنین در قبال پرداخت حقوق به آنان؛ (۳) تامین روشنایی معابر محله و (۴) جانمایی سطوح‌های زباله در چند نقطه از معبر اصلی محله برای تشویق ساکنان به حفظ محیط زیست (Sharifinia, et al., 2011) که در همخوانی زیادی با یافته‌های این پژوهش دارد.

مقوله دیگری که در حوزه اجرائی بدست آمد عبارت از **توجه به توانمندسازی ساکنان** (سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات بود. این مقوله از ترکیب ۵ مفهوم بدست آمد که در مجموع ۱۴ کد باز منجر به ایجاد این مفاهیم گردید. اولین مفهوم در این زمینه (توجه خاص به توانمندسازی بانوان و اطفال) بود. یک‌تن از اشتراک‌کنندگان در این مورد چنین اظهار داشت "بدون توجه به توانمندسازی اطفال (از ۱۰ تا ۱۸ سال) نمیتوانیم وضعیت را بهبود بخشیم زیرا این اطفال امروز اند که جامعه فردا را میسازند". اشتراک‌کننده دیگری نظرش را چنین بیان کرد "اگر به بانوانی که در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند توجه شود و به نحوی برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی برای شان برگزار گردد، می‌توانیم ب قسمتی از مشکلات موجوده در گستره کوتاه‌تری از زمان، فایق آئیم". چندین اشتراک‌کننده دیگر نیز موضوعاتی را بیان داشتند که در واقع تأییدی بر همین مفهوم بود. (توجه به توانمندسازی ساکنان در بعد حقوقی) یکی دیگر از مفاهیم به‌دست‌آمده می‌باشد. در این مورد یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار داشت "عدم آگاهی ساکنان از مسائل حقوقی باعث شده است تا هر روز درگیر مشکلات مختلف حقوقی باشند". اشتراک‌کننده دیگر در این زمینه گفته‌است: "ساکنان از لحاظ فهم مسائل حقوقی و همچنان سیاسی در سطح بسیار پائینی قرار دارند و این باعث می‌شود تا نتوانند مواضع درستی را در عرصه‌های مختلف زندگی اتخاذ کنند، بناءً دچار آسیب‌های حقوقی بیتشری می‌شوند". (توانمندسازی ساکنان در بعد اقتصادی) یکی دیگر از مفاهیمی بود که در نتیجه تحلیل حاضر بدست آمد. یک‌تن از اشتراک‌کنندگان درین باره گفته‌است "به لحاظ اقتصادی وضعیت ساکنان به حدی خراب است که اگر در اولویت قرار نگیرد نمی‌توانیم در سایر ابعاد کاری انجام دهیم". اشتراک‌کننده دیگر در این زمینه گفت "مشکلات اقتصادی ساکنان عامل خیلی از مشکلات در سایر ابعاد زندگی شان شده است". (توانمندسازی علمی ساکنان) نیز از مفاهیم به‌دست‌آمده می‌باشد به گونه‌ای که یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت "ساکنان به لحاظ علمی در سطح خیلی پائینی باقی‌ماندند که نیاز شدیدی در این راستا احساس می‌شود". به همین ترتیب مصاحبه‌شوند دیگر گفت "اگر در این محیط به غنای علمی ساکنان توجهی نشود، فرایند توانمندسازی کماکان ناقص باقی خواهد ماند". و آخرین مفهومی که بدست آمد همانا (توجه به توانمندسازی فرهنگی و اجتماعی بود) که مصاحبه‌کنندگان در زمینه نظریات متعددی را ابراز نمودند از جمله: "احیاء فعالیت‌های فرهنگی در بین ساکنان می‌تواند باعث انگیزش آنان در سهم‌گیری در فرایند توانمندسازی این سکونتگاه‌ها گردد". و "اگر توجه ساکنان به فعالیت های فرهنگی و اجتماعی جلب گردد در گذر زمان می‌توانیم شاهد تغییرات چشم‌گیری در تمام عرصه‌های زندگی آنان باشیم". در نتیجه می‌توان گفت توانمندسازی ساکنان می‌تواند به عنوان یکی از ابعاد مهم و اساسی در الگوی پیشنهادی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر هرات مطرح باشد. توانمندسازی ساکنان در واقع افزایش میزان سرمایه اجتماعی در این سکونتگاه‌ها است. چنانچه بدیعی قراقیه و اربابی سبزواری در یک پژوهش کمی نتیجه گرفتند "افزایش

سرمایه اجتماعی موجب توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود (Beidi Gharaghyeh & Arbabi, 2022). "سرگلزائی جوان و هادیانی در یک مطالعه به این نتیجه دست یافتند که "توانمندسازی از طریق سرمایه اجتماعی سبب ایجاد قابلیت در افراد و گروه‌های ناتوان برای مشارکت فعال و آگانه در تامین رفاه فردی و اجتماعی می‌شود (Sargolzaee Javan & Hadyani, 2017)."

مقوله دیگری که از این تحلیل به عنوان یکی از ابعاد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرها در حوزه اجرائی بدست آمد (توجه به اشتغال و تقویت اقتصاد محلی ساکنان) بود. این مقوله شامل ۸ مفهوم می‌شود که از ۱۴ کد باز حاصل شده‌است. اولین مفهوم به‌دست‌آمده عبارت از (ایجاد شبکه‌های حماوی اقتصادی در بین ساکنان) می‌باشد. در این مورد یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت "باید ساختارهای ایجاد شود که در شرایط دشوار اقتصادی به ساکنان کمک کند تا از بحران عبور کنند، مانند وام‌ها، کمک‌های بلاعوض، تسهیلات مالی و غیره". یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفت "روند کنونی که اکثر موسسات بین‌المللی با استفاده از کمک‌های نقدی و غذائی در پیش گرفته‌اند بیشتر پیامدهای منفی در پی دارد، در عوض باید شیوه‌های مفیدتری روی دست گرفته شود مانند دادن قرضه‌ها و غیره". مفهومی بعدی که بدست آمد (توجه به افزایش مهارت‌های شغلی ساکنان) بود. یک‌تن از اشتراک‌کنندگان در این مورد چنین گفته‌است "ما باید برای ساکنان ماهی ندهیم بلکه ماهی‌گیری را یاد شان بدهیم" و همچنان یکی دیگر از اشتراک‌کنندگان بیان داشت "با استفاده از نبوغ و استعداد نهفته ساکنان می‌توانیم آن‌ها را از سطح کارگر عادی به کارگر ماهر تبدیل نموده و میزان درآمد شان را افزایش دهیم". سومین مفهومی در این بعد بدست آمد (افزایش فرصت‌های شغلی) بود. چنانچه یک‌تن از اشتراک‌کنندگان بیان نمود "این ساکنان نیاز به راهنمایی دارند تا بتوانند شغل‌های ساده و متنوع به خود انتخاب نمایند، اکثر ساکنان توانایی کار را دارند ولی توانایی و ابتکار ایجاد شغل در آن‌ها نیست". و اشتراک‌کننده دیگر بیان داشت "با یک سروی کوتاه و متخصصانه می‌توان برای عده زیادی از ساکنان ایجاد شغل نمود". مفهومی دیگری که از نتایج این تحلیل حاصل شد (تقویه صنایع دستی) بود که در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید "حد اقل نیمی از جمعیت ساکن را خانم‌های تشکیل می‌دهند که تمام وقت شان در درون منزل و به بیهودگی سپری می‌شود، اگر برای این قشر از ساکنان برنامه‌های آموزشی صنایع دستی در نظر گرفته شود و بعداً با استفاده از شبکه‌های اقتصادی مورد حمایت قرار گیرند قسمت عمده از مشکلات اقتصادی مرفوع می‌گردد"، همچنان یکی دیگر از اشتراک‌کنندگان گفت "با توجه‌نمودن به افزایش مهارت‌های صنایع دستی بانوان پشرفت چشم‌گیر اقتصادی در منطقه پدید خواهد آمد" و آخرین مفهومی که در این بعد بدست آمد (راه اندازی و حمایت از کسب و کارهای کوچک برای ساکنان) بود که در این زمینه یک‌تن از اشتراک‌کنندگان بیان نمود که "یکی از راهکارهای که می‌تواند ممکن و در عین حال مفید باشد، راه اندازی کسب و کارهای کوچکی است که نظر به شرایط موجود راه اندازی شود تا از یک سو نیازهای ساکنان مرفوع و از سوی دیگر باعث رونق اقتصاد آنان گردد". مصاحبه‌شونده دیگری می‌گوید "با ایجاد پروژه‌های اقتصادی مبتکرانه می‌توانیم در توانمندسازی ساکنان موفقیت حاصل کنیم". مفاهیم به‌دست‌آمده در کل تقویت‌کننده اقتصاد محلی در منطقه می‌باشد. شریفی نیا و همکاران پس از انجام یک پژوهش در محله غلام تپه بزی شهرستان آزادشهر، راهبردهای اقتصادی برای توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی را چنین برشمردند: (۱) فراهم‌آوردن زمینه فعالیت‌های اقتصادی متناسب با ویژگی‌های ساکنین از طریق آموزش‌های فنی؛ (۲) ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه خرده‌وام با همیاری ساکنین؛ (۳) ایجاد تعاونی‌های کارگران با حمایت بخش خصوصی و بیمه بخش غیررسمی از طریق دولت؛ (۴) آموزش خیاطی، گلیم‌بافی و ... به زنان طی دوره‌های فشرده و کوتاه‌مدت و سپس استفاده از مهارت و نیروی کار آنان و عرضه کارتمام‌شده توسط تعاونی‌های محلی که در همخوانی نسبتاً بالای با یافته‌های این مطالعه دارند (Sharifinia, et al., 2011).

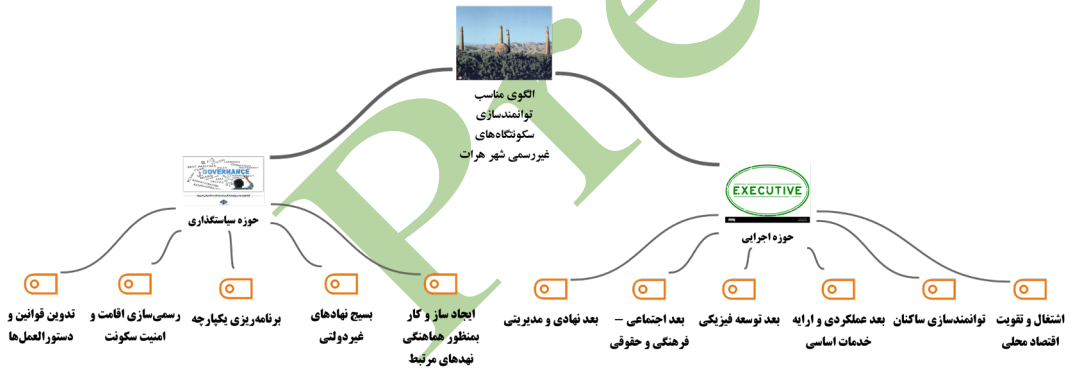
بحث

توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با هدف بهبود شرایط زندگی ساکنین و ارتقاء سطح زیرساخت‌ها و خدمات در این مناطق، یکی از مسائل مهم در برنامه ریزی شهری است. چنانچه در کشورهای درحال توسعه، سکونتگاه‌های غیررسمی به چالشی جدی برای برنامه‌ریزان، محققان و مدیران شهری تبدیل شده است، افغانستان نیز با طیف گسترده‌ای از موضوعات پیچیده در این زمینه مواجه است. مقامات دولتی سکونتگاه‌های غیررسمی را به طور رسمی به عنوان پاره از شهر تشخیص نمی‌دهند. شهر هرات نیز مانند اکثریت شهرهای افغانستان، تحت تاثیر گسترش بی رویه شهرنشینی به صورت بی‌برنامه

رشد کرده است. این شهر در ۳۰ سال گذشته شاهد تحولات زیادی از لحاظ جمعیتی و رشد شهری بوده اما بیشتر توسعه شهر با طرح های جامع موجود مطابقت ندارد. به همین دلیل، مناطق بی برنامه، غیررسمی و نامنظم جایگزین رشد با برنامه شهری شده اند. در این پژوهش الگوی مناسب توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی در افغانستان شناسایی شده است که تفصیلات آن قرار ذیل می باشد:

در حوزه سیاست گذاری ابعاد پنجگانه (۱) تدوین قوانین و دستورالعمل ها؛ ۲۹ رسمی سازی اقامت و امنیت سکونت؛ (۳) برنامه ریزی یکپارچه؛ (۴) بسیج نهادهای غیردولتی؛ و (۵) ایجاد ساز و کار به منظور هماهنگی نهادهای مربوط شناسایی شده که هر بعد شامل چند مؤلفه می گردد. ابعاد شناسایی شده ی فوق با نتایج محققینی مانند [Nguyen, et al., 2015] و [Moshiri & Sarafi, 2013] که قوانین و دستورالعمل ها، برنامه ریزی یکپارچه و نهادهای ذی نفع را به عنوان الگوهای مناسب برای توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی معرفی کرده اند، همخوانی دارد.

در حوزه اجرائی ابعاد ششگانه (۱) بعد نهادی و مدیریتی؛ (۲) بعدی اجتماعی-فرهنگی و حقیقی؛ (۳) بعد توسعه فیزیکی؛ (۴) بعد عملکردی و ارائه خدمات اساسی؛ (۵) توانمندسازی ساکنان؛ و (۶) اشتغال و تقویت اقتصاد محلی شناسایی شده است که هر بعد شامل یک سلسله مؤلفه ها می گردد. ابعاد شناسایی شده ی فوق به بهبود شرایط زندگی، زیرساخت ها و خدمات در سکونتگاه های غیررسمی شهر هرات کمک نموده و از جانبی هم مشابه به یافته های محققانی چون [Asadi Mahalchali, 2014] و [Shamai & Pourahmad, 2005] بوده است که تأکید بر جنبه ی اجتماعی-فرهنگی توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی دارند. به همین ترتیب محققین مانند [Asadi Mahalchali, 2014]، [Narayan, 2002]، [Emer, 2008]، و [Kigochie, 2001] نیز برنامه ی بهسازی مشارکتی و بهبود ساختار فیزیکی سکونتگاه های غیررسمی با همکاری شهروندان را الگوی مناسب برای توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی دانسته اند.



شکل ۱: الگوی پیشنهادی توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی شهر هرات

در نهایت از آن جای که تا حال اقدامی متناسب با وضعیت موجود در حوزه توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی در افغانستان صورت نگرفته است [GoIRA, 2016]. و در شرایط فعلی پدیده شهرنشینی در پایتخت و شهرهای بزرگ افغانستان، بیش از هر وقت دیگر در حال گسترش است، ضرورت این پژوهش را به خوبی آشکار می سازد. زیرا اگر الگوی مناسبی برای توانمندسازی این سکونتگاه ها در این شرایط، تعریف نگردد مشکلات ناشی از آن زیرساخت های مادی و معنوی موجوده کشور را دچار آسیب خواهد ساخت. بنابراین توقع می رود که نتایج حاصله از این پژوهش مورد توجه مسئولین ارگان های مدیریت شهری قرار گیرد. قابل ذکر است که داده ها و اطلاعاتی که در نتیجه این پژوهش بدست آمده است، می تواند برای دانشجویان، استادان و کارشناسان در حوزه مدیریت شهری مفید باشد.

تشکر و قدردانی: مصاحبه شونده گان در این تحقیق سهم ارزشمندی داشته اند. جای دارد از تمام آن ها که با وجود مصروفیت های کاری زیاد، با حوصله مندی تمام مصاحبه ها را به خوبی انجام داده و ما را در کامیابی این تحقیق یاری نموده اند، اظهار سپاس و امتنان نمایم.

تعارض منافع: هیچ نوع تعارضی در زمینه تضاد منافع بین نویسندگان و جامعه پژوهش وجود ندارد.

سهم نویسندگان: این مقاله اقتباس شده از رساله دکتری می باشد، نویسنده اول در تمام بخش های اعم از جمع آوری داده ها، تحلیل و نتیجه گیری سهم قابل ملاحظه داشته است. نویسنده دوم به عنوان نویسنده مسئول در راهنمایی نویسنده اول نقش تعیین کننده و حیاتی داشته اند و نویسنده سوم نقش مشاور در تمام مراحل تحقیق را به درستی اداء

نموده است.

منابع مالی: مصارف مالی این تحقیق که شامل مصارف حمل و نقل باز دید از محل مورد مطالعه، تهیه پرسشنامه‌ها و هزینه‌های یادگیری و تهیه نرم‌افزار مکس کیودا می‌شود، از جانب نویسنده اول تأمین شده‌است.

In Press